

## مراکز آموزشی اصفهان در روزگار سلجوقی

اصغر منتظرالقائم

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

در مقاله‌ای که پیش رو دارید تلاش بر آن است تا مراکز تعلیمی اصفهان در روزگار سلجوقیان مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و توصیفی و تحلیلی است.

نخستین جایگاه تعلیم و تعلم در اسلام به وسیله رسول الله (ص) در مسجدالنبی پایه‌ریزی گردید. پس از آن حضرت، صحابه و تابعین حکام اسلامی جامع شهرها را بنیان گذاشتند. در این مساجد حلقه‌های درسی بی‌شمار تعلیمی قرائت قرآن، فقه، حدیث، تفسیر و صرف و نحو تشکیل می‌شد. مساجدی همچون مسجدالحرام، جامع بصره، جامع کوفه، مسجدالاقصی، جامع قُربطبه، جامع‌الازهر و جامع‌الاصفهان رسالت علمی خود را در خدمت به ارتقاء سطح آموزش و فرهنگ مسلمانان و گسترش دین مبین اسلام با همتی بلند در قرون اولیه اسلام انجام دادند.

مسجد جامع اصفهان: این مسجد پس از سال ۱۵۰ هجری به وسیله ایوب بن زیاد والی اصفهان تأسیس گردید. در سال ۲۲۶ق عبدالله بن حسن بن حفص ذکوانی با کمک مردم خانه‌ها و زمین اطراف مسجد را خرید و آن را گسترش داد. در این مسجد حلقه‌های درسی بسیاری دایر می‌شد و



هر ستونی از آن شیخی بود و فقها، متکلمین، عرفا، متصوفه و ادبا در آن به تعلیم و تعلم مشغول بودند. از آن جمله حلقهٔ درس فقه نصرین محمد مشهور به ابن نصرویه بود که به مدت بیست سال بر مذهب شافعی در مسجد جامع فتوا می‌داد. حلقه‌های درسی در این مسجد چنان پرشور بود که به هر ستونی شیخی تکیه زده و طلاب گرد او حلقه زده به وظیفهٔ درس یا ریاضیت نفس اشتغال دارند. آراستگی این مسجد به واسطهٔ مناظرهٔ فقها و مباحثهٔ دانشمندان و مجادلهٔ متکلمین و پندهای واعظین است. (مافروخی، بی‌تا، ص ۸۵) این مسجد دارای مقاماتی همچون متصدیان، امام جماعت، مؤذن و خطیب بود. (ابونعیم، ۱۴۱۰ق، المجلد الثانی، ص ۱۹۷، ۱۷۱، ۱۶۵، ۱۱) این مسجد کتابخانه‌ای با حجره‌های گوناگون و مخازن داشت و محل آن روبه‌روی مسجد واقع شده بود. این کتابخانه به وسیلهٔ استاد رئیس ابوالعباس احمد الضبی بنیان گذاشته شد. وی کتاب‌های علوم گوناگون را که به مرور ایام فضلاء و ادبای سابق انتخاب کرده بودند، در آن جمع کرد. فهرست این کتابخانه در سه مجلد بزرگ شامل کتاب‌های تفسیر، حدیث، صرف و نحو، لغت، ادبیات، شعر، تاریخ و رجال، منطق، الهیات، طبیعیات و ریاضیات و غیره بود. (مافروخی، بی‌تا، ص ۸۵)

شهر اصفهان به پیمان صلح به وسیلهٔ عبدالله بن بُدَیل بن وَرْقَاء خُزاعی فتح شد، ورود مسالمت‌آمیز اسلام به این شهر، سبب رشد تعلیم اسلامی در اصفهان گردید. با تأسیس نخستین مسجد برگ در اصفهان به وسیلهٔ ابوحنّاس مولی عمر بن خطاب در روزگار امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در محلهٔ خُشینان (ابونعیم اصفهانی ۱۴۱۰ق، المجلد الاول، ص ۳۶) تعلیم و تربیت و آموزش دین از این مسجد شروع شد. در همین شهر از یاران رسول الله (ص) کسانی بودند که به مردم اصفهان واجبات و سنت‌های دین را می‌آموختند. (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰ق، المجلد الاول، ص ۱۰۴)

بدین سان مسجد جامع اصفهان نخستین دانشگاه اسلامی در این شهر بود، کتابخانهٔ این مسجد منابع آموزشی و تحقیقاتی در علوم گوناگون را در اختیار طلاب و استادان قرار می‌داد و راه را برای تحقیقات عالی در این شهر هموار می‌کرد. در روزگار آل بویه در اصفهان بیمارستانی بود

که در آن وسایل مجهز و پزشکان حاذق وجود داشت. (مقدسی، ۱۴۰۸، ص ۳۲۹) در این صورت کار آموزش طب همچون دیگر نقاط جهان اسلام در این بیمارستان انجام می‌گرفت. مکتب در اصفهان: کار تعلیم و تربیت در مکتب انجام می‌گرفت. ایرانیان در ازمئه دور به تربیت و هنرآموزی کودکان توجه خاصی نشان می‌دادند، به گونه‌ای که ابن‌رسته خبر از وجود مکتب پیش از اسلام در اردستان اصفهان می‌دهد. (ابن‌رسته، ۱۳۶۵ش، ص ۱۸۱) پس از اسلام در کنار مساجد، کاخ‌های خلفا و سلاطین مکتب‌خانه‌ها تأسیس می‌شد. مُدرّس مکتب‌خانه را معلم و مؤدّب یا ادیب می‌گفتند و دو واژه معلم و مؤدّب از اصطلاحاتی بودند که در تعلیم و تربیت اسلامی رایج بود. کار تعلیم و تربیت در نخستین قرون اسلامی در اصفهان چنان رشد و گسترش یافت که این شهر ده‌ها نفر مؤدّب داشت و آنان به کار معلمی مشغول بودند. از جمله حجاج بن یوسف قُتیبّه همدانی متوفی ۲۶۰ق بود که در مکتب وی بیش از یکصد کودک مشغول تعلیم بودند. (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰ق، المجلد الاول، ص ۳۵۵) همچنین این شهر محل صدور مؤدّب به نقاط دیگر بود. (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰ق، المجلد الثانی، ص ۴۲۸-۳۵۴)

تأسیس مدرسه در اصفهان: در اصفهان همچون سایر نقاط عالم اسلامی مناظره‌ها و جدال‌های علمی طلاب در مساجد سبب مزاحمت برای عبادت نمازگزاران گردید. بدین منظور مدرّس‌هایی در کنار مساجد بنیان گذاشته شد. آن‌گونه که عمر بن عبدالعزیز عجلای حاکم اصفهان صفا‌ی در مسجد جامع ساخت. (میرزا حسن خان جابری، ۱۳۷۸ش، ص ۱۱۱) این صفا به واسطه تزئیناتی که در دوره آل مظفر در آن صورت گرفته اکنون به نام مدرسه مظفری مشهور است. (لطف‌الله هنرفر، ۱۳۴۶ش، ص ۱۳۷) ایوان جنوبی مسجد جامع نیز به نام صفا صاحب مشهور است و چنین می‌نماید که صاحب بن عبّاد وزیر دانشمند آل بویه در این محل به تدریس می‌پرداخته است. از آثار تاریخی دوره آل بویه در اصفهان در محله باب‌الدشت گنبد مدرّس ابوعلی سینا وجود دارد و عامه مردم آن حدود را به نام علی سینا میخوانند. شیخ الرئیس ابوعلی سینا طی دوران اقامت چهارده ساله خود در اصفهان (ابوعلی سینا، ۱۳۵۳، ص ۲) در این محل تدریس می‌کرد. (ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲ش، ص ۴۳۱) صاحب بن عبّاد به عمران و آبادانی اصفهان علاقه بسیار نشان داد و عمارات عالیه و مسجدی در محله گلبار به نام جورجیر از خشت و گل در نهایت



استحکام و ظرافت با استادی تمام با مناری بلند به ارتفاع یکصد ذراع و شبستان‌ها، خانقاه‌ها، کتابخانه‌ها و مدرّس‌ها و مجالس ادبا و شعرا و مکان‌هایی برای صوفیان و قراء ساخت. بدین سان کار آموزش و تعلیم در اصفهان از مساجد، شروع و در مکتب‌ها و مدرّس‌ها و کتابخانه‌ها و آستانه به مسجد و بیمارستان بزرگ شهر ادامه یافت و زمینه‌ی ایجاد مدرسه در این شهر فراهم گردید.

**نهضت مدرسه‌سازی در اصفهان:** مدرسه از پدیده‌های نخستین سال‌های سده‌ی چهارم هجری است و محصول همه‌ی مراکز آموزشی اسلامی پیش از آن می‌باشد. بنیان مدارس در جهان اسلام از شهر آمل شروع شد ولی کهن‌ترین مدارس اسلامی در شهرهای خراسان تأسیس شد و بزرگ‌ترین مجتمع علمی خراسان در شهر نیشابور وجود داشت. (آدامتز، ۱۳۶۴ش، جلد اول، ص ۲۱۰) در اصفهان مدرسه‌سازی دیرتر از خراسان شروع شد ولی افتخار تأسیس مدرسه از آن خواجه نظام الملک وزیر سلطان آلب ارسلان و ملک‌شاه سلجوقی می‌باشد. وی نظامیه‌ها را به‌عنوان نهادهای تبلیغی و تعلیمی فقه شافعی و کلام اشعری در رقابت با دارالعلم فاطمیان در قاهره برای جلوگیری از تبلیغات فرقه‌ی اسماعیلیه و شیعیان دوازده امامی و تربیت کادر دیوان‌سالار برای اداره‌ی تشکیلات دیوانی امپراتوری سلجوقیان بنیان گذاشت. خواجه نظام الملک نخستین نظامیه را در نیشابور در سال ۴۵۶ ق برای تأسیس امام الحرمین جوینی تأسیس کرد. (کسای، ۱۳۶۳ش، ص ۸۹) پس از نظامیه‌ی نیشابور خواجه بزرگ‌ترین و زیباترین نظامیه‌ها را در سال ۴۵۷ ق در بغداد بنیان گذاشت. (کسای، ۱۳۶۳ش، ص ۱۱۲)

هنگامی که اصفهان در سال ۴۴۳ ق به تصرف سلاجقه درآمد، دوران رشد و عظمت خود را طی می‌کرد و در دوره‌ی حکمرانی امرای شیعی آل‌بویه محلات، مساجد، خانقاه‌ها، میادین بسیاری به همراه قلعه‌ی طبرک با وسعت صد هزار مترمربع به‌دست مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی ساخته شد. (هنرفر، ۱۳۴۴ش، ص ۳۷) آبادانی شهر اصفهان در سال ۴۴۳ ق به پایه‌ای رسید که ناصر خسرو درباره‌ی آن می‌نویسد: «من در همه‌ی زمین پارس‌گویان شهری نیکوتر و جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم». (ناصر خسرو، ۱۳۶۳، ص ۱۶۷)

در روزگار فرمانروایی سه سلطان بزرگ سلجوقی بر توسعه و رونق و شکوه اصفهان افزوده شد و هر کدام از سلاطین، وزراء و بزرگان دولت سلجوقی عمارات و ابنیه‌ی بسیاری در این شهر



بنیان گذاشتند. در زمان حکمرانی ملک‌شاه کاخ‌ها، باغات، پل‌ها، مساجد، مدارس، مناره‌ها و میادین و محلات بسیاری در آن ساخته شد به گونه‌ای که طول آن چهارده فرسنگ و عرض آن شش فرسنگ با هشتصد دیه و مزرعه بوده است. (آوی حسین بن محمد بن ابی الرضا، ۱۳۲۸ش، ص ۴۷) خواجه نظام الملک در اصفهان خانه‌ای برای خود ساخت و خانقاهی بزرگ برای عرفا و صوفیه و گنبد بزرگ جنوبی مسجد جامع و مدرسه نظامیه را در محله دردشت اصفهان بنیان گذاشت. حسین بن محمد آوی درباره این مدرسه می‌نویسد: «مدرسه‌ای که اکنون معمور و قائم است بنا فرمود نزدیک جامع بزرگ بر محلت دردشت بر وضعی و اصلی هرچه خوب‌تر و هیئتی و شکلی هرچه مرغوب‌تر در غایت رفعت از جهت صنعت و عمل و نهایت رتبت از طرف منزلت و محل، و بر در آن مناری چون ستون قبه آسمان کشیده و دراز و با عیوق و فرقدان هم‌نشین و همراز، عجیب شکل و وضع و غریب اصل و فرع و در فسحت و عرض ... خرج بی‌پایان بی‌حد بر آن صرف و ضیاع بی‌شمار بی‌عد بر آن وقف چنان‌که هر سال مبلغ ده هزار دینار محصول مستغلات و موقوفات بوده و اکنون آن را مستأکله ر بوده». (حسین بن محمد آوی، ۱۳۲۸ش، ص ۱۴۲)

تاریخ تأسیس نظامیه اصفهان همزمان با نظامیه بغداد یا اندکی پیش از آن بود زیرا نخستین مدرس آن ابوبکر محمدبن ثابت خجندی که خواجه نظام الملک وی را جهت تدریس در این مدرسه از مرو به اصفهان آورده بود، (ابن‌الاثیر، ۱۳۹۸ق، الجزء الثامن، ص ۲۱۹) سالیانی دراز ریاست شافعیه اصفهان و تولیت و مدرسی نظامیه آن را بر عهده داشته و جمع کثیری از طالبان دانش از اقصی نقاط سرزمین اسلام به اصفهان رفته و از محضر او در این مدرسه کسب علم و معرفت کرده‌اند (کسایی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۲۳)

سازمان اداری و آموزش نظامیه اصفهان: اعضای بخش اداری شامل سرپرست، بازرسان اوقاف، نویسندگان موقوفات و مباشران اداری خرید مایحتاج مدرسه و مباشران ساختمانی، دربانان، خدمتکاران و مؤذن بودند و کادر آموزشی شامل مدرس، نایب، معید، واعظ، مفتی، کتابدار و دانشجویان در بخش آموزشی مدرسه به انجام وظیفه اشتغال داشتند. (کسایی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۲۱ و ۱۲۶) خواجه نظام برخلاف مشاغل اداری شخصاً به کار مدرسه رسیدگی می‌کرد و عزل و نصب



مُدرّس و متولی و امور اداری را زیر نظر داشت به گونه‌ای که ابوبکر محمدبن ثابت خُجندی را جهت تدریس در مدرسه نظامیه اصفهان از مرو به اصفهان آورد. خواجه نظام الملک با او در رفت و آمد و به زیارت وی می‌رفت و مقام شایسته و بلندی برای وی قائل بود. (ابن الاثیر، ۱۳۹۸ق، الجزء الثامن، ص ۲۱۹)

مُدرّسان نظامیه از میان فقها و دانشمندان برجسته شافعی نصب می‌شدند و هیچ‌کس حق نداشت بدون اجازه در مدرسه تدریس نماید و می‌بایست صلاحیت علمی، اخلاقی، مذهبی و اجتماعی داشته باشد. مدرس ناگزیر بود مطابق وقف‌نامه اجازه‌نامه تدریس داشته باشد. تدریس در اوقات معین و با تشریفات خاص خود برگزار می‌شد. مدرس به هنگام تدریس لباس ویژه‌ای به نام «طرحه» بر تن می‌کرد و بر کرسی مدرس می‌نشست. در صورت عدم دسترسی به مُدرّس شایسته از وجود نایب استفاده می‌شد. آن‌گونه که فخرالدین ورکانی به نیابت آل خُجند در نظامیه تدریس می‌نمود. (کسای، ۱۳۶۳ش، ص ۲۲۶) مُدرّسان و طلاب خوراک روزانه و مستمری ماهانه دریافت می‌کردند. مجالس وعظ مدرسه در اوقات معین برای استفاده عموم مردم برپا می‌شد.

**کتابخانه نظامیه:** مدرسه نظامیه اصفهان کتابخانه بزرگی داشته و (کسای، ۱۳۶۳ش، ص ۲۲۴) کتاب‌های نفیس در آن نگهداری می‌شده است به گونه‌ای که کتاب حماسه مظفر بن احمد طیب و ادیب اصفهانی در آن نگهداری می‌شد. (قفطی، ۱۳۷۱ش، ص ۴۴۸) فهرست این کتابخانه در سه جلد قطور تنظیم شده بود ولی به سال ۵۱۵ ق به دست فدائیان اسماعیلی در آتش سوخت. (ابن الاثیر، ۱۳۹۸ق، المجلد الثامن، ص ۳۰۵)

**موارد درسی نظامیه:** در مدرسه نظامیه فقه، اصول، حدیث، تفسیر، علوم قرآنی، کلام، علوم ادبی، صرف و نحو و لغت، معانی و بیان و بدیع و ریاضی در حد مسائل فقهی و ارث تدریس می‌شد. (کسای، ۱۳۶۳ش، ص ۱۳۴)

بدین‌سان نظامیه‌ها صرفاً مدارس مذهب شافعی بود و با تدریس علوم عقلی و فلسفی در آن به شدت مبارزه می‌شد (غنیمه، ۱۳۶۴ش، ص ۲۴۴) و به همین سبب نیروی خلاقیت و سیر آزادی اندیشه که به یمن تفکرات آزاداندیشانه شیعی مبتنی بر آیات و روایات ائمه اطهار بود با



رکود، مواجه و متعصبن قشری جای فیلسوفان بزرگی همچون بوعلی سینا و شاگردانش ابو عبدالله جرجانی، بهمنیار، معصومی اصفهانی را گرفتند و دیگر تا زمان صفویه اثری فلسفی همچون دانشنامه‌ی علایی که ابوعلی سینا در اصفهان نوشت و به علاءالدوله کاکویه تقدیم کرد، نوشته نشد. آتش تعصبات مذهبی در اصفهان چنان شعله‌ور گردید که فتنه‌ها و آشوب‌های فراوانی را موجب شد. آن‌گونه که نجم‌الدین رشید والی اصفهان که حنفی مذهب بود به سال ۵۴۲ق به جنگ صدرالدین ابوبکر رئیس شافعیان اصفهان رفت. پس از فرار رئیس شافعی‌ها نجم‌الدین رشید با کمک حنفی‌ها- که ریاستشان بر عهده‌ی خاندان صاعدیان بود و منصب قضا را در اصفهان بر عهده داشتند- کتابخانه‌ی بزرگ آل خُجند را که در مدرسه‌ی نظامیه قرار داشت به آتش کشیدند. در سال ۵۶۰ ق دیگر بار آتش تعصبات مذهبی ویران‌گر در اصفهان درگرفت و طی ۸ روز جنگ خانگی میان خُجندیان شافعی و صاعدیان حنفی موجب کشته و زخمی شدن مردم اصفهان و تخریب بازارها و خانه‌های مردم شد. (ابن الاثیر، المجلد التاسع، ۱۳۹۸ق، ص ۹۲)

آتش جنگ خانگی دیگری دوباره در سال ۵۸۳ ق درگرفت و بار دیگر حنفی‌ها و شافعی‌ها به جان هم افتادند و گروه بسیاری از دو طرف کشته شدند. (ابن الاثیر، ۱۳۹۸ق، المجلد التاسع، ص ۱۷۴) درگیری‌های مذهبی بار دیگر در سال ۵۸۵ ق تکرار شد و شافعی‌ها پس از شکست دادن حنفی‌ها، خانه‌ی رکن‌الدین صاعد را در محله‌ی جوباره آتش زدند. (کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۶۸ش، ص ۳۰) دامنه‌ی درگیری‌های مذهبی در اواخر دوران سلجوقیان چنان گسترده بود که کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی در قطعه شعری آرزوی آمدن پادشاهی خونخوار می‌کند تا از شافعی‌ها و حنفی‌ها جوی خون روان سازد. آن‌گونه که می‌گوید:

ای خداوند هفت سیاره      پادشاهی فرست خونخواره

تا که در دشت را چو دشت کند      جوی خون آورد ز جوباره

(کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۷۸ش، ص ۲۶۸)

طلاب از راه حفظ احادیث و مطالب، فهم و مطالب و سؤال از استاد، مناظره و مذاکره، طرح مشکلات درسی به منظور بالا بردن سطح دانش و با سفرهای علمی برای رسیدن به سرچشمه‌ی دانش تلاش و کوشش می‌کردند. (غنیمه، ۱۳۶۴ش، ص ۲۴۸)



برخی از مدرسان نظامیه اصفهان: همان‌گونه که اشارت رفت مُدرسان این مدرسه از میان دانشمندان مشهور شافعی انتخاب می‌شدند. بیشترین مدرسان نظامیه اصفهان از خاندان ادب‌پرور و دانش‌دوست خُجندیان بودند که بیش از یک و نیم قرن ریاست علمی، دینی و بلدی بر شهر اصفهان داشتند. اصل آنان از خُجند از شهرهای ماوراءالنهر بود. اینان در اصفهان کتابخانه بزرگی تأسیس کردند که طالبان علم از آن سود می‌جستند. از جمله افراد مشهور این خاندان عبارتند از:

۱- ابوبکر محمد بن ثابت بن حسن خُجندی: وی در مرو مشغول تدریس بود و توسط خواجه نظام الملک به مقام مُدرسی نظامیه اصفهان تعیین گردید. وی ریاست شافعیان اصفهان را داشت و نظام الملک غالب اوقات به دیدار او می‌رفت. شهرت علمی او به‌گونه‌ای به ممالک اسلامی رسید که از نقاط گوناگون طالبان علم به محضر درس او می‌آمدند و از او حدیث می‌آموختند. از جمله آثار وی «روضه المناظر» و «زواهر الدرر فی نقض جواهر النظر» می‌باشد. وفات وی در سال ۴۸۳ق روی داد.

۲- ابوالمظفر بن محمد بن ثابت پس از پدرش در نظامیه اصفهان به تدریس و موعظه اشتغال داشت تا در سفری به ری در سال ۴۹۶ ق کشته شد. (آل داود سید علی، ۱۲۶۷ش، ص ۶۹۴)

۳- ابوسعید احمد بن ثابت: وی در نظامیه اصفهان نزد پدرش فقه و حدیث آموخت و پس از پدرش ریاست شافعیان اصفهان و منصب مُدرسی داشت. ابوسعید به سال ۵۳۱ مقتول گشت. (کسای، ۱۳۶۳ش، ص ۲۲۶)

۴- صدرالدین ابوالقاسم بن محمد ملقب به شرف الاسلام: وی در نظامیه، حلقه درس داشت و گروهی از دانشمندان نزد وی دانش آموختند. او در فقه و حدیث و وعظ و خطابه، شعر و ادب عربی و فارسی تبحر داشت و شعرا و دانشمندان از اطراف برای استفاده از محضر درس او به اصفهان می‌آمدند. محفل او مجمع فضلا و شعرا نامدار آن دوره همچون ظهیرالدین فاریابی و جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی بوده است. (صدر هاشمی، ۱۳۲۵ش، ص ۲۴) عوفی درباره وی می‌نویسد: «صدر خُجندی از رؤسای اصفهان بل از امثال صدور جهان بود، آسمانی بر زمین و آفتابی در زین دور گور عمامه او بر تدویر آفتاب تابان تاوان می‌کرد و رشح قلم او در آن اقلیم اثر شمشیر بر آن به اظهار می‌رسانید و با این‌همه مکتت و استظهار و قدرت و افتخار در کرم چنان





گشاده‌دل و دست بود که دخل کان و سیار بحر با خرج یکروزه یمین او بس نمی‌آمد و با این همه فضایل و شمایل او را شعرست مطبوع و در تازی و پارسی و نظم و نثر قدرت او کامل و داعی تتبع اشعار و تصفح کلمات او کرده است و از هر جویبی قطره‌ای و از هر کلی جزوی و از هر گلی برگی به دست آورده. (عوفی محمد، ۱۳۲۴ق، ج ۱، ص ۲۶۷) صدرالدین خجندی در قصیده‌سرایی دستی توانا داشت و از شعرا حمایت می‌کرد و آنان را خلعت می‌داد، آن‌گونه که جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی او را مدح گفته است:

ایا صدری که چرخ پیر چون تو      جوانی در همه معنی نیارد  
فلک در خدمتت خم می‌پذیرد      جهان در طاعتت جان می‌سپارد  
سپهر امروز در دیوان جودت      خراج کان و دریا می‌گذارد  
(جمال‌الدین بن عبدالرزاق، ۱۳۶۲ش، ص ۴۰۳)

۵- صدرالدین عمر خجندی: از دیگر مدرسان نظامیه، صدرالدین عمر خجندی بود که ریاست شافعیان اصفهان را در اوایل قرن هفتم هجری بر عهده داشت. (زیدی نسوی شهاب‌الدین محمد، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۰) وی در سال ۶۳۵ ق درگذشت. صدرالدین عمر از ممدوحان رفیع‌الدین لنبانی شاعر اصفهانی هم‌عصر خود بود، آن‌گونه که درباره‌ی وی سروده است:

خلاصه حرکات سپهر صدالدین      که عالمیست ز فضل و کرم به استقلال  
پناه آل خجند آفتاب چرخ علو      که بحرو کان خجند از کفش به وقت نوال  
(رفیع‌الدین لنبانی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۰۹)

سرانجام صدرالدین ابوالقاسم به سال ۵۸۰ ق هنگام بازگشت از بغداد به اصفهان در همدان وفات کرد. (آل داوود، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۹۶)

مدرسه نظامیه بر اثر درگیری‌های مذهبی شافعی‌ها و حنفی‌ها و حمله مغول روند تدریجی رکود خود را طی کرد ولی به کلی ویران نشد و به هنگام ترجمه محاسن اصفهان در سال ۷۲۷ق دایر بوده است. آوی اشاره می‌کند، مدرسه نظامیه و مناره آن در زمان وی هنوز پابرجا و دایر بوده است ولی از تصاحب موقوفات آن اظهار تأسف می‌کند (آوی حسین بن محمد ابی‌الرضا، ۱۳۲۸ش، ص ۱۴۲) با ربوده شدن املاک و مستغلات مدرسه، عظمت و شکوفایی خود را از



دست داد ولی براساس یک گزارش هنوز این مدرسه تا سال ۹۲۶ ق به حیات خود ادامه داده است، زیرا در این سال محمد زمان حسین اصفهانی خطاط نسخه‌ای از شرح مختصرالاصول ابن‌حاجب نحوی را در این مدرسه کتابت کرده است. (رضا استادی، ۱۳۹۶ق، جلد اول، ص ۱۵۷) اما محتمل است این مدرسه تا انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان در روزگار شاه عباس صفوی پابرجا بوده ولی به واسطه گسترش بافت صفویه در جنوب‌غربی، بافت دوره سلجوقی این مدرسه بر اثر بی‌توجهی از بین رفته است.

بدین‌سان با تأسیس مدرسه نظامیه آموزش عالی در اصفهان رشد کرد و نهادینه شد و این مدرسه الگویی برای تأسیس دیگر مدارس این شهر گردید ولی برخلاف رشد و شکوفایی علمی در اصفهان انحصار تدریس فقه شافعی و ممنوعیت تدریس علوم عقلی و حکمت در این مدرسه موجبات وزش طوفان تعصب و غلبه تعصب و مبارزه بر سیر آزادی اندیشه را فراهم کرد.

**مدرسه ملکشاهی:** ملکشاه سلجوقی برای حنفی‌ها و شافعی‌ها مدرسه‌ای در محله کران بنا کرد، اما هنگامی که خواستند نام ابوحنیفه را بر شافعی مقدم دارند خواجه نظام الملک به واسطه تعصب شدی شافعی‌گری اجازه چنین کاری را نداد و عاقبت قرار بر آن گرفت که بنویسند وقف علی اصحاب الامامین. پس از مرگ ملکشاه جنازه او را در این مدرسه دفن کردند. (هندوشاه نجوانی، ۱۳۵۷ش، ص ۲۸۲ و ۲۷۸) این مدرسه از مدارس مشهور اصفهان و ایران در سده‌های ۵ تا ۷ هجری بود و دارای کتابخانه‌ای عظیم با کتب نفیس که محل مراجعه دانش‌پژوهان و فقهای اسلامی بوده است.

**مدرسه سلطان محمد سلجوقی:** این مدرسه به‌وسیله سلطان محمد سلجوقی برای حنفی‌ها ساخته شد که در محله دارالبطیخ شمال خیابان احمدآباد فعلی قرار داشت. مدرسه حنیفه از مدارس معمور دوره سلجوقی بوده است. پس از مرگ سلطان محمد سلجوقی در سال ۵۱۱ هجری وی در همین مکان به خاک سپرده شد. (امام غزالی، ۱۳۶۷ش، ص ۱۳۲) چنین می‌نماید خاندان علمی و ادبی آل صاعد اصفهان در این مدرسه به تدریس و تحصیل مشغول بودند.

**مدرسه فخریه:** این مدرسه به‌وسیله فخرالملک بن نظام الملک در اصفهان بنا شد. چنین می‌نماید تا سال ۱۰۹۸ هجری طلبه‌نشین بوده است. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲ش، ص ۴۴)

مدرسه ملکه خاتون: این مدرسه به وسیله یکی از خاتونان سلجوقی بنا گردید و تا زمان راوندی نویسنده کتاب *راحة الصدور*، پابرجا بوده است. وی می نویسد: «پیش از وفات ملکشاه بر آن بودند که در اصفهان جایی که امروز مدرسه ملکه خاتون است دارالخلافة و حرمی بسازند. (راوندی، ۱۳۶۴ش، ص ۱۴۰)

مدرسه کمال الدین سمیرمی: کمال الدین علی سمیرمی وزیر سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه سلجوقی بود. وی پس از آتش سوزی مسجد جامع اصفهان مسجد را به سبک چهار ایوانه تجدید بنا کرد. (ابن الاثیر ۱۳۹۸ق، المجلد الثامن، ص ۳۰۵) از دیگر اقدامات خیر وی در اصفهان مدرسه‌ای به نام خود ساخت. (نورالله کسائی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹۷)

اصفهان مهد علم و فرهنگ ایران زمین: همان گونه که اشاره شد اصفهان از پیش از اسلام دارای مراکز علمی بود. پس از اسلام نیز با وجود مراکز بزرگ علمی همچون مسجد جامع اصفهان و مدرسه نظامیه که کارکرد آنها همچون یک دانشگاه بزرگ اسلامی بود، موجب شد تا نام این شهر از قرون نخستین اسلام در ردیف شهرهای پر آوازه علمی قرار گیرد و در قرن سوم تا ششم هجری به عنوان پایتخت ادب عربی و حدیث اسلامی شهرت پیدا کند. دستگاه علمی و تعلیم و تربیت این شهر در این روزگار چهره‌های درخشان علمی بزرگی تربیت کرد. مشاهیر بزرگ وزرای آل بویه ابن عمید و صاحب بن عبّاد و ابوعلی سینا بر رونق علمی این شهر افزودند و موجبات تکامل بیشتر علمی و فرهنگی آن را فراهم کردند.

در حوزه حدیث و تاریخ و جغرافیا ستاره‌های درخشانی همچون طبرانی محدث، ابومسعود رازی، حافظ ابوشیخ بن حیان، ابونعیم اصفهانی، حمزه اصفهانی، ابن رسته، بنداری اصفهانی، عمادالدین ابوعبدالله اصفهانی، صدرالدین عبداللطیف بن احمد خجندی، ابوالعلا صاعد بن محمد قاضی اصفهانی، ابو بکر محمد بن ثابت خجندی، بدران بن شریف اصفهانی و محدثین زن ام‌الخیر اصفهانی و ام‌الحسین (کریمه) اصفهانی ظهور کردند.

در حوزه شعر و ادب نیز بزرگانی همچون صاحب بن عبّاد، عضدالدین ابوالمعالی نحاس اصفهانی، شرف‌الدین شُفروه، جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، رفیع‌الدین لبنانی، طغرابی



اصفهانی، راغب اصفهانی و مافروخی اصفهانی و هنرمندانی همچون استاد محمود بنایی اصفهانی و جمال نقاش اصفهانی بر آسمان فرهنگ و هنر اصفهان درخشیدند.

در این ایام درخشش فرهنگی و علمی اصفهان به جایی رسید که محمد بن سلیمان راوندی مورخ دربار آل سلجوق در این باره می‌نویسد: «روزی در خدمت رکن‌الدین صاعد بن مسعود قاضی القضاة شرق و غرب بیشتر فضلاء اصفهان حاضر بودند و هر کدام از صفات بارز این شهر حکایت می‌کردند. کمال‌الدین ار اکابر زمان گفت: ارگ بهشت عدن در زمین خواهد بود به زمین اصفهان باشد و گر به آسمان است برابر اصفهان است، به هر حال اصفهان نمودار بهشت است». (راوندی، ۱۳۶۴ش، ص ۴۱) ولی افسوس که تابش اشعه‌های نورانی علم در روزگار سلجوقیان نتوانست آتش تعصبات خشک مذهبی شافعی‌ها و حنفی‌ها را خاموش کند و رکود علوم عقلی و فلسفی در مراکز علمی اصفهان زمینه فتنه‌ها و جنگ‌های خانمان‌سوز مذهبی را فراهم کرد.

### منابع

- آدامتز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
- آل داود، سید علی، مقاله «آل حجد»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷ش.
- آوای، حسین بن محمد، ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۸ش، چاپ دوم.
- ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الأعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵ش.
- ابوعلی سینا، دانشنامه علائی، مقدمه و حواشی محمد معین، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۳ش.
- ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، تصحیح سید حسن کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- استادی، رضا، فهرست کتابخانه فیضیه قم، جلد اول، قم، چاپ مؤلف، ۱۳۹۶ق.
- اسماعیل اصفهانی، کمال‌الدین، دیوان خلاق المعانی، تهران، انتشارات روزبه، ۱۳۷۶ش.
- جابری انصاری، میرزا حسن خان، تاریخ اصفهان، تصحیح جمشید مظاهری، اصفهان، انتشارات مشغل، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، راحة الصدور و آية السرور، به تصحیح محمد اقبال، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۴ش.
- رفیع‌الدین لبنانی، دیوان، به اهتمام تقی بینش، تهران، انتشارات پاژنگ، ۱۳۶۹ش.

- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ش.
- صدر هاشمی، محمد، مقاله «خاندان‌های مشهور تاریخی خاندان خجندی در اصفهان»، مجله یادگار، به مدیریت عباس اقبال، کتابفروشی خیام، سال سوم، شماره اول، شهریور ۱۳۲۵ش.
- عبدالرحیم، غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، تهران، انتشارات یزدان، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
- عبدالرزاق اصفهانی، جمال‌الدین، دیوان، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
- عوفی محمد، لباب الالباب، تصحیح ادوارد براون، لیدن، مطبعه بریل، ۱۳۲۴ق.
- غزالی امام محمد، نصیحة الملوک، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، انتشارات هما، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
- قبادیانی، ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۷ش.
- قفطی، جمال‌الدین، تاریخ الحکماء، به کوشش بهمن دارائی، تهران، انتشارات، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.
- کسای، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، تصحیح جلال‌الدین تهرانی، تهران، مطبعه مجلس، چاپ اول، ۱۳۱۲ش.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، با مقدمه محمد مخزوم بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- نسوی زیدری شهاب‌الدین محمد، سیرت جلال‌الدین مینکبرنی، تصحیح و تعلیق مجتبی مینوی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ش.
- هندوشاه نججویانی، تجارب السلف، تصحیح عباس اقبال، تهران، انتشارات طهوری، چاپ سوم، ۱۳۵۷ش.
- هنرفر، لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، چاپخانه امامی، چاپ اول، ۱۳۴۴ش.